

«روش ترکیب»: ابتکار احمدعلی یوسفی در فقه نظام‌ساز

مؤلف: غلامرضا عزیزی افین^۱

میز فقه نظام‌های اجتماعی؛ اندیشکده دینا

راهبر طرح: محسن امیدوار

چکیده

این یادداشت به تبیین و تحلیل نظریه «روش ترکیب» احمدعلی یوسفی در حوزه «فقه نظام» می‌پردازد. با گسترش نیاز به استخراج نظام‌های اجتماعی از منابع اسلامی، روش‌های فقهی موجود با چالش‌هایی مواجه شده‌اند. نظریات رایج، به‌ویژه روش «اکتشاف» شهید صدر که بر استنتاج مبانی از احکام فقهی استوار است، و روش «امضاء» یا «عدم مغایرت» که به تأیید یا رد رویه‌های عقلایی موجود می‌پردازد، به‌تنهایی برای تأسیس یک نظام اجتماعی اسلامی منسجم و فعال، کارآمدی کامل ندارند. مسئله اصلی که این نوشتار به آن می‌پردازد، تشریح این خلأ روش‌شناختی و معرفی راهکار یوسفی برای برون‌رفت از آن است. ایده اصلی ایشان این است که روش مطلوب، «روش ترکیب» است که از سه جزء «تکوین»، «امضاء» و «اکتشاف» با محوریت روش تکوین تشکیل شده است. در این روش، حرکت از مبانی و اهداف کلان نظام به سمت استخراج رفتارها، روابط و نهادها، اصالت دارد و دو روش دیگر به‌عنوان ابزارهای مکمل و ارزیاب به کار گرفته می‌شوند. این رویکرد، فقه را از جایگاه «پاسخ‌گو» و «منفعل» به جایگاه «طراح» و «نظام‌ساز» ارتقاء می‌دهد و راه را برای تأسیس نظام‌های اجتماعی متمایز و برخاسته از اصول اسلامی هموار می‌سازد.

کلمات کلیدی

فقه نظام‌های اجتماعی، یوسفی، اکتشاف، عدم مغایرت، امضاء، تأسیس، ترکیب.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، گفتمان «فقه نظام» به‌عنوان یکی از جریان‌های فکری مهم در حوزه‌های علمیه و مراکز مطالعات اسلامی، با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای پیچیده جوامع مدرن ظهور کرده است. این گفتمان در پی عبور از «فقه فردی» و «مسئله‌محور» (فقه اصغر) به سمت استنباط ساختارها و نظام‌های کلان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از منابع دینی است. سؤال محوری در این حوزه آن است که فقیه یا اندیشمند اسلامی با چه روشی می‌تواند از متون مقدس و ادله شرعی، یک «نظام» منسجم با تمام اجزا و عناصرش (مبانی، اهداف، ساختارها و نهادها) را کشف و طراحی کند؟

^۱، طلبه درس خارج فقه و اصول، دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دین دانشگاه تهران پردیس فارابی.

در پاسخ به این پرسش، روش‌های متعددی پیشنهاد شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به روش «اکتشاف» شهید سید محمدباقر صدر اشاره کرد. ایشان معتقد بود با تنسيق و مطالعه نظام‌مند احکام فقهی (روبنا)، می‌توان به «مذهب اقتصادی» (زیربنای فکری) دست یافت. روش دیگر، روش سنتی «امضاء» یا «عدم مغایرت» است که در آن، رویه‌ها و نهادهای عقلایی موجود، با ضوابط شرعی سنجیده شده و در صورت عدم مغایرت، تأیید می‌شوند. با این حال، هر یک از این روش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه‌اند که کارآمدی آن‌ها را در مقام «تأسیس» یک نظام جامع با چالش مواجه می‌کند.

در چنین بستری، احمدعلی یوسفی با ارائه نظریه «روش ترکیب»، گامی نو در جهت تکمیل و تصحیح این مسیر روش‌شناختی برداشته است. ایده محوری یوسفی آن است که اکتفا به روش‌های موجود، فقه را در موضعی انفعالی و واکنشی نگه می‌دارد؛ لذا باید روش‌ها با یکدیگر ترکیب شوند و در این ترکیب، روش «تکوین» (حرکت از مبانی به روبنا) محوریت یابد تا بتوان به نظامی اصیل، هماهنگ و متمایز دست یافت. این یادداشت، به تشریح ابعاد این نظریه و تبیین برتری آن در مقام نظام‌سازی می‌پردازد.

چالش‌های روش‌شناختی در مسیر نظام‌سازی

نظریه یوسفی در پاسخ به یک مسئله بنیادین شکل گرفته است: رویکرد رایج در فقه که از آن با عنوان «فقه اصغر» یاد می‌شود، ذاتاً «مسئله‌گو» و «پاسخ‌گو» است. این فقه، موضوع یا رفتاری را که در خارج شکل گرفته، فارغ از اینکه در کدام بستر ارزشی تولید شده، مورد تحلیل حکمی قرار می‌دهد. برای مثال، یک قرارداد بانکی مدرن را اخذ کرده و حکم تکلیفی یا وضعی آن را مشخص می‌کند، بی‌آنکه به این پرسش بپردازد که آیا نهاد «بانک» با این ساختار، اساساً با مبانی و اهداف نظام اقتصادی اسلام سازگار است یا خیر.

این رویکرد، هرچند برای تعیین تکلیف شرعی افراد در وضعیت موجود ضروری است، اما در مقام نظام‌سازی به بن‌بست‌هایی می‌انجامد. به تعبیر یوسفی، نتیجه حاکمیت چنین روشی، یک «فقه نظام‌پذیر» است، نه «فقه نظام‌ساز». این فقه، منفعلانه در برابر ساختارهای موجود واکنش نشان می‌دهد و در نهایت، خواسته یا ناخواسته، به تأیید و اصلاح جزئی نظام‌های غیراسلامی و سکولاریزه شدن تدریجی دستگاه فقه منجر می‌شود. برای نمونه، تلاش برای اسلامی‌سازی بانک ربوی از طریق عقود جایگزین، بدون بازنگری در «هدف» اصلی آن (حداکثرسازی سود) و جایگاهش در نظام اقتصادی، مصداق بارز این رویکرد است. (یوسفی ۱۳۹۵، ص ۶۵)

— ۶۷ —

مشکل روش «امضاء» این است که رفتارهای عقلایی را ارزش‌محور نمی‌داند و صرفاً به عدم مغایرت ظاهری با احکام توجه می‌کند. در حالی که یک رفتار عقلایی، مانند سرمایه‌گذاری، در نظام سرمایه‌داری مبتنی بر

«اصالت سود فردی» و در نظام اسلامی مبتنی بر «رشد توأم با تأمین نیازهای اجتماعی» تعریف می‌شود. نادیده گرفتن این تفاوت در مبانی، منجر به پذیرش ساختارهایی می‌شود که در بلندمدت با اهداف کلان اسلام در تعارض قرار می‌گیرند. نویسندگان در مقاله‌ای نقش مفاهیم ارزش‌محور در سامان‌دهی ساختار نظام اقتصادی را به صورت تطبیقی بین نظام سرمایه‌داری و اسلامی، بررسی می‌کند (یوسفی، ۱۳۹۶).

روش «اکتشاف» شهید صدر نیز با وجود تمام اهمیت آن، با چالش حجیت مواجه است. کشف «مذهب» از طریق استقراء احکام، تنها در صورتی حجت است که به قطع و یقین منجر شود، امری که به ندرت اتفاق می‌افتد. توسل به «ظن» نیز در این حوزه دشوار است، زیرا به گفته یوسفی، با وجود روش‌های دیگر مانند تکوین، باب علم و علمی برای کشف نظام منسند نیست؛ بنابراین، شکاف اصلی اینجا نمایان می‌شود: نیاز به روشی که هم فعال و طراح باشد، هم اصالت خود را از مبانی اسلام بگیرد و هم از حجیت کافی برخوردار باشد.

روش ترکیب

راهکار پیشنهادی یوسفی، «روش ترکیب» است که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمام روش‌های موجود، آن‌ها را در یک ساختار سلسله‌مراتبی و هدفمند به کار می‌گیرد. این روش از ترکیب سه جزء «تکوین»، «امضاء» و «اکتشاف» تشکیل شده که در ادامه تشریح می‌شوند.

۱. روش تکوین (حرکت از زیربنا به روبنا)

اصلی‌ترین و محوری‌ترین جزء در «روش ترکیب»، «روش تکوین» (یا تأسیس) است. این روش، فرایند کشف نظام را به صورت منطقی و از پایه آغاز می‌کند. در گام نخست، اصول بنیادین و زیربنایی از منابع قطعی (عقل، قرآن و روایات متواتر) استخراج می‌شود. مباحثی مانند توحید، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی اسلامی در این مرحله کشف می‌شوند. این مبانی که با ادله قطعی به دست می‌آیند، از حجیت ذاتی برخوردارند. نویسندگان در مقاله‌ای تأثیر مبانی فلسفی بر نظام اقتصادی اسلام را از دیدگاه امام علی علیه‌السلام بررسی کرده‌است (یوسفی، ۱۳۸۲).

در گام دوم اهداف کلان و خرد نظام اجتماعی براساس مبانی کشف‌شده تعیین می‌گردد. برای مثال، از مبانی «خلیفه‌اللهی انسان»، هدف «عمران و آبادانی زمین برای تحقق عدالت» استخراج می‌شود. این اهداف یا مستقیماً از نصوص به دست می‌آیند یا از طریق لوازم عقلی و عادی مبانی کشف می‌شوند و حجت هستند.

در آخرین گام، رفتارها، روابط و ساختارهای متناسب با آن مبانی و اهداف، طراحی و ساماندهی می‌شوند. در اینجا مشخص می‌شود که برای تحقق هدف «تأمین نیازهای عمومی» در کنار سودآوری مشروع، ممکن است

به جای نهاد «بانک» به معنای متعارف، به نهادهایی مانند «مؤسسات قرض الحسنه توسعه گرا» یا «صندوق های سرمایه گذاری وقف محور» نیاز داشته باشیم. این نهادها، دیگر اصلاح شده نهادهای غربی نیستند، بلکه «مولود» مبانی اسلامی اند (یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۶۱ تا ۸۰). نویسنده در مقاله اخیر خود از روش «مأموریت محور تأسیسی» برای طراحی نهاد پولی نظام اقتصاد اسلامی استفاده می کند. ایشان معتقد است بدون توجه به ساختارها و مأموریت ها، نمی توان صرفاً با اکتفاء به عدم مغایرت رفتارها و روابط درون نظام با اسلام، آن نظام را اسلامی کرد. در روش مأموریت محور تأسیسی ابتدا نظام اقتصادی اسلام با اهداف، مأموریت ها، ابعاد و اجزای آن به درستی تلقی شده و سپس بر اساس آن مأموریت ها و فقه مرسوم، نظام پولی طراحی می شود (یوسفی، خورشیدی، عبداللهی ۱۴۰۳).

مزیت اصلی روش تکوین، «فعال» و «طراح» بودن آن است. این روش منتظر نمی ماند تا یک پدیده در خارج به وجود آید و سپس حکم آن را مشخص کند؛ بلکه خود، پدیده و ساختار مطلوب را بر اساس اصول اسلامی «تأسیس» می کند و به جامعه عرضه می دارد.

۲. روش امضاء

در منظومه فکری یوسفی، روش امضاء کارکرد خود را حفظ می کند؛ اما نقش آن از «روش اصلی» به «ابزار مکمل و ارزیاب» تغییر می یابد. رفتارها و روابطی که از روش تکوین استخراج می شوند، باید با ضوابط فقهی متعارف (فقه اصغر) سنجیده و ارزیابی شوند تا از عدم تعارض آن ها با احکام جزئی اطمینان حاصل شود. مضاف بر ارزیابی، در مواردی که روش تکوین به یک ساختار مشخص و انحصاری نرسیده، می توان تجارب بشری و نهادهای عقلایی موجود را با روش امضاء تحلیل کرد. البته این تحلیل، یک تحلیل عمیق و ارزش محور است که مبانی و اهداف آن نهاد را نیز در بر می گیرد. سومین کارکرد روش امضاء پایش مستمر نظام پس از اجرای آن است؛ ضوابط فقهی به عنوان معیاری برای ارزیابی و پایش عملکرد رفتارها و نهادها به کار می روند.

۳. روش اکتشاف

روش اکتشاف شهید صدر نیز در این نقشه جایگاه خود را دارد. این روش می تواند به عنوان یک ابزار «تأییدی» عمل کند. یعنی پس از آنکه نظامی با روش تکوین طراحی شد، می توان با بررسی هماهنگی احکام فقهی با آن، از صحت ساختار کلی اطمینان بیشتری حاصل کرد. همچنین، تلاش برای کشف «مذهب» از دل احکام، می تواند الهام بخش کشف اهداف و اصول راهبردی جدیدی باشد که در روش تکوین مورد غفلت قرار گرفته اند. باین حال، یوسفی تأکید می کند که حجیت نتایج این روش، مشروط به حصول قطع است و نمی توان

آن را به عنوان روش اصلی برای تأسیس نظام به کار گرفت، زیرا راه برای علم و روش های علمی تر (مانند تکوین) باز است (یوسفی، ۱۳۸۵).

جمع بندی

نظریه «روش ترکیب» احمدعلی یوسفی، پاسخی هوشمندانه به چالش های روش شناختی در حوزه «فقه نظام» است. این نظریه با اذعان به کاستی های اکتفا به روش «امضاء» و «اکتشاف»، راه سومی را پیشنهاد می کند که ضمن بهره گیری از تمام ظرفیت های فقهی، اصالت و محوریت را به «تکوین» می دهد. با اولویت بخشی به حرکت از مبانی و اهداف کلان به سمت ساختارها و نهادها، این روش فقه را از یک دانش «منفعل» و «ناظر» به یک دانش «فعال» و «معمار» تبدیل می کند.

این رویکرد تضمین می کند که نظام اجتماعی استخراج شده، صرفاً مجموعه ای از احکام پراکنده یا نسخه ای اصلاح شده از نظام های دیگر نباشد، بلکه پیکره ای هماهنگ و منسجم باشد که تمام اجزای آن از اصول و ارزش های اسلامی نشأت گرفته اند. روایاتی همچون حدیث «الجامعه»^۲ که بیانگر جامعیت دین برای همه نیازهای بشر تا روز قیامت است (مجلسی، بی تا، ج ۲۶، صص ۶۶-۱۸) و روایت «عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۶۲)، این دیدگاه را تقویت می کند که منابع دینی ظرفیت ارائه اصول نظام ساز را دارند. «روش ترکیب» یوسفی، مسیری روشمند برای تحقق همین ظرفیت و گذار از فقه فردی به فقه نظام ساز ارائه می دهد.

مراجع

۱. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲. مجلسی، محمدباقر. (بی تا) بحارالانوار، ج ۲۶.
۳. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۸۵). روش های کشف آموزه های اقتصاد اسلامی. نشریه اقتصاد اسلامی، (۲۲)، ۱۴۷-۱۷۶.
۴. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۹۵). نظام اقتصادی اسلام. انتشارات نگاه فارسی.
۵. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۸۶). روش ترکیب برای کشف آموزه های اقتصادی اسلام. نشریه پژوهش و حوزه، سال هشتم، (۳۰ و ۳۱)، ۱۷۸-۲۱۸.

^۲ کتابی که نزد امام علی علیه السلام بوده و محتوای آن را پیامبر اکرم (ص) بیان فرموده و امیرالمومنین علیه السلام مکتوب کرده اند. ائمه علیهم السلام این گونه این کتاب را معرفی کرده اند: «فیه و الله جمیع ما یتحتاج الیه الناس الی یوم القیامه حتی ان فیه أرش الخلدش» (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۱۸-۶۶)

۶. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۹۶). نقش مفاهیم ارزش محور در سامان‌دهی ساختار نظام اقتصادی «بررسی تطبیقی نظام سرمایه‌داری و اسلامی». معرفت اقتصاد اسلامی (۱۷)، ۸۵ - ۱۰۲.
۷. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۸۲). تأثیر مبانی فلسفی بر نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه امام علی علیه السلام. اقتصاد اسلامی (۹)، ۷ - ۲۶.
۸. یوسفی، خورشیدی، عبداللہی. احمدعلی، حمید، مصطفی. (۱۴۰۳). روش مأموریت محور تأسیسی در طراحی نظام بانکی مطلوب. فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی (۹۵)، ۷ - ۴۲.